



Cultural policy and power field in Tehran *

Mojtaba Bayat ¹ | Salahuddin Ghaderi ² | Hossein Imani Jajarmi ³

1. Corresponding Author, PhD in Sociology - Cultural Policy, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: mojtaba.bayat@khu.ac.ir

2. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: salahedin.gh@khu.ac.ir

3. Department of Development and Social Policy, Faculty of Social Sciences, University of Tehran - Email: imanijajarmi@ut.ac.ir

| Article Info | ABSTRACT |
|---|---|
| <p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 18 March 2022 Received in revised form 10 June 2022 Accepted 16 June 2022 Published online : 12 March 2023</p> <p>Keywords: Urban policy, Urban Cultural Policy, Agenda Setting, Power Field, Urban Management.</p> | <p>Since 1989, Tehran city management has had extensive and different experiences in the social and cultural fields. The extent to which these experiences and cultural policy-making have been aligned with the cultural issues of the city and urban management is a question that this article seeks to address. Based on the initial ideas of the article, the cultural policy agenda is not in line with the cultural issues of the city and urban management of Tehran and has a disorder. This issue has been followed by analyzing and reconstructing the history of actions and structures involved in shaping urban cultural policy.</p> <p>In response to the question of article, Bourdieu's three levels of analysis which are the relationship between the policy field and the power field, the relationship between field agents and the habitus of field agents and effective streams on agenda setting, including issue formation, policy, politics, strategic evaluation and Possible choices, prioritization and ideology; Has been studied. For this purpose, the data of semi-standard interviews with 15 urban policy maker in the years 1990 to 2017 have been coded and thematic analysis.</p> <p>Based on the 39 main themes of the interviews, the habitus of the agents of the urban cultural policy-making field, the current of ideology, the political current and changes and the greed's of the broad field of power as influential factors in the subject of urban cultural policy have continued throughout the three decades. This effect is considered as weakness of urban management independence and formal and informal institutional mechanisms for setting agenda.</p> |
| <p>Cite this article: Bayat,M., Ghaderi,S.&Imani Jajarmi, H. (2022). Cultural Policy and Power field in Tehran. . <i>Sociological Review (Social Science Letter)</i>, 29 (2), 29-47.</p> | |

* Extracted from the doctoral dissertation entitled: "Critical Study of Cultural Policy Agenda in Tehran Urban Management", Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Department of Sociology

سیاست‌گذاری فرهنگی و میدان قدرت در شهر تهران*

مجتبی بیات^۱ | صلاح‌الدین قادری^۲ | حسین ایمانی جاجرمی^۳

۱. نویسنده مسئول، دکتری جامعه‌شناسی - سیاست‌گذاری فرهنگی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: mojtaba.bayat@khu.ac.ir

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: salahedin.gh@khu.ac.ir

۳. گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: imanijajarmi@ut.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|---|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | از سال ۱۳۶۸ به بعد مدیریت شهری تهران در حوزه اجتماعی و فرهنگی تجارب گسترده و مختلفی داشته است. اینکه این تجارب و سیاست‌گذاری فرهنگی معطوف به آن چقدر با مسائل فرهنگی شهر و مدیریت شهری همسو بوده است سوالی است که این مقاله درصدد پرداختن به آن است. بر اساس ایده‌های اولیه مقاله، دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی با مسائل فرهنگی شهر و مدیریت شهری تهران همسو نبوده و دارای اختلال است. این مسئله با واکاوی و بازسازی تاریخ کنش‌ها و ساختارهای درگیر در شکل‌گیری سیاست‌گذاری فرهنگی شهری دنبال شده است. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ | بررسی مسئله در چارچوب رویکرد جامعه‌شناسی بوردیو یعنی رابطه میدان سیاست‌گذاری و میدان قدرت، روابط بین عوامل میدان و عادتواره عوامل میدان و جریان‌های مؤثر بر شکل‌گیری دستورکار شامل شکل‌گیری مسئله، سیاسی، سیاست‌گذاری، ارزیابی استراتژیک و انتخاب‌های ممکن، تنظیم با دستورکار پیشین و ایدئولوژی انجام شده است. بدین منظور داده‌های مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۵ نفر از کارگزاران شهری در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۶، کدگذاری و تحلیل مضمون شده است. |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ | بر اساس ۳۹ مضمون اصلی احصاء شده از مصاحبه‌ها، عادتواره‌های سیاست‌گذاران، جریان ایدئولوژی، جریان سیاسی و تحولات و مطامع میدان گسترده قدرت به عنوان عوامل مؤثر در موضوعیت سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در تمام سه دهه مورد بررسی تداوم داشته‌اند. اثر گذاری این عوامل به معنای ضعف استقلال مدیریت شهری و سازوکارهای نهادی رسمی (قانونی) و غیر رسمی (عرفی) برای دستورکارگذاری است. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ | |
| کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری شهری، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، تعیین دستورکار، میدان قدرت، مدیریت شهری. | |

استناد: بیات، مجتبی؛ قادری، صلاح‌الدین و ایمانی جاجرمی، حسین؛ (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری فرهنگی و میدان قدرت در شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، ۲۹ (۲)، ۲۹-۴۷.

* مقاله علمی پژوهشی برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مطالعه انتقادی دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران»، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی

۱. مقدمه و طرح مسئله

از سال ۱۳۶۸ بدین سو مدیریت شهری تهران (شهرداری به عنوان رکن اجرایی و شورای اسلامی شهر به عنوان یکی از بازیگران اصلی این محیط) دارای تجاربی نظیر ایجاد فرهنگسراها و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در سطحی گسترده بوده است. این سابقه و تجارب زمینه طرح این پرسش است که سیاست‌گذاری فرهنگی برای این نوع از فعالیت‌های فرهنگی تحت تأثیر چه عوامل و فرایندهایی شکل گرفته است؟ براساس شواهد و داده‌های موجود در مطالعات پیشین، به نظر می‌رسد این سیاست‌ها در پاسخ به مسائل فرهنگی شهر و مدیریت شهری تهران اتخاذ نشده‌اند. این مسئله با بررسی نتایج پژوهش‌هایی که ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی شهر تهران و حدود دستور کار فرهنگی مدیریت شهری را ترسیم کرده‌اند، روشن‌تر می‌شود.

پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعه روند تغییرات فرهنگی در شهر تهران» پس از فراتحلیل پژوهش‌های صورت گرفته در حد فاصل ۱۳۹۵ - ۱۳۶۸ سه دهه تحول فرهنگی و اجتماعی شهر تهران را با مفهوم «شهر گسیخته» بر ساخت کرده است. در این پژوهش مفهوم شهر گسیخته با سه شکاف فعال در فضای شهری تبیین شده است: شکاف نخست «شکافی طبقاتی است که میان مرکز و حاشیه شهر» شکل گرفته است، شکاف دوم ناظر بر تقابل بین «ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مدرن و ارزش‌های فرهنگی سنتی» است و شکاف سوم «میان ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی حکومت و شهروندان» وجود دارد. به تعبیر این پژوهش «شکاف میان حاکمیت و شهروندان را می‌توان به نوعی حاصل ناتوانی حاکمیت در حل دو شکاف قبلی دانست» (جلد دوم، ص ۱۷۰) و «مدیریت شهری در دوره‌های مختلف توان تطبیق خود با این وضعیت پیچیده اجتماعی را نداشته و نتوانسته کلتی را بسازد که بتواند برای بخش‌های مختلف جامعه دستور کارهای معینی داشته باشد» (جلد دوم، ص ۱۷۷). مسئله شکاف بین دستور کارهای مصوب و مسائل زمینه‌ای تهران در پژوهش ذکایی (۱۳۹۴) نیز نشان داده شده است. وی در پژوهش «نابرابری سرمایه‌های فرهنگی در شهر تهران» ضمن بررسی سازوکارهای تولید سرمایه فرهنگی توسط ساکنین تهران نشان می‌دهد که این سرمایه به صورت نابرابر توزیع شده است. از نظر وی «سرمایه فرهنگی به مثابه ذخیره‌ای از دانش، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و خلاقیت‌های فرهنگ» (ص ۱۷۰) می‌تواند در تولید، بازنمایی و بازتولید نابرابری اجتماعی نقش داشته باشد. مدیریت شهری در بستر گفتمان رفع تبعیض انقلاب اسلامی از طریق گسترش زیرساخت‌های شهری همواره یکی از عوامل مهم تولید سرمایه فرهنگی در فضای شهری بوده و آن را موضوع مداخلات سیاستی (به عنوان مثال در حوزه‌های هنر و ورزش) قرار داده است. سواى مبنای گفتمانی، مدیریت شهری در پی این بوده است که با ایجاد توسعه و تعادل فضایی در مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی بر مسائل و مشکلاتی نظیر ناامنی، جرم و بزه در فضاهای شهری فائق آید. پژوهش ذکایی نشان می‌دهد که علی‌رغم مداخلات مدیریت شهری «سرمایه فرهنگی توزیعی نابرابر در تهران دارد و دسترسی و نمایش آن تابع الگویی است که به نوبه خود کنارگذاری‌های اجتماعی را به همراه دارد» (ص ۱۹۰). از این رو می‌توان نتیجه گرفت مداخلات سیاستی شهرداری برای فراهم کردن فرصت ارتقاء سرمایه فرهنگی آحاد شهروندان موفقیتی در بر نداشته است. به طوری که با تجاری شدن خدمات فرهنگی، فراغتی، آموزشی و مهارتی، شهر همچنان از نظر فرهنگی دچار «جدایی گزینی فضایی» است.

همچنین فاضلی (۱۳۹۹) در کتاب کلانشهر و فرهنگ که «جستارهای انسان‌شناختی درباره پژوهش شهری، فرهنگ و سیاست شهری» را در بر دارد، مسئله تهران را «تنش بنیادی میان دو روند "همگن سازی" و "تنوع فرهنگی"» می‌داند. وی نظام سیاست‌گذاری شهری تهران از دوران پهلوی اول بدین سو را به دلیل فقدان «سیاست تفاوت»؛ همگن ساز و ناتوان در پذیرش تنوع فرهنگی می‌داند. فاضلی پس از تعریف «سیاست تنوع» به عنوان «تلاش آگاهانه و عامدانه حکمرانی‌های ملی و محلی برای مراقبت

و حمایت از همه هویت‌های متنوع و بویژه گروه‌های کوچک‌تر که مبادا در فرایند منازعات و کشمکش‌های ایدئولوژیک و سیاسی یا در منازعات طبقاتی این گروه‌ها در جایگاه فرودست در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرند و عملاً حذف، طرد و به حاشیه رانده شوند» (ص ۱۵۷)؛ ناتوانی در شکل دهی به این سیاست را تحت تأثیر «نظام دانش در مدیریت شهری» می‌داند. از نظر وی نظام دانش حاکم بر مدیریت شهری، مهندسی و «تحصیلی» است و با «پروزی فیزیکالیسم بر فرهنگ» و همسویی با «سیاست غیر دموکراتیک»، مانع به رسمیت شناختن هویت‌های شهری در سیاستگذاری شده است. جلالی و صدیق (۱۳۹۰) نیز با نگاهی متفاوت مسائل انباشته تهران را حاصل تبدیل عرصه سیاستگذاری و اجرا به میدان کارآموزی مدیرانی می‌دانند که اساساً مسائل تهران برای آن‌ها فاقد اهمیت است (ص ۱۵۴). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سیاستگذاری فرهنگی در شهر تهران - که مدیریت شهری نیز یکی از بازیگران عمده آن است - عملاً در مسیر پاسخ به چالش‌های فرهنگی اجتماعی تهران گام بر نداشته است.

پژوهش حاضر مسئله سیاستگذاری فرهنگی شهری در مدیریت شهری را اختلال در تناظر دستورکار این سیاستگذاری با مسائل فرهنگی شهر و مدیریت شهری می‌داند. هر چند این موضوع در سطح تشخیص مسئله و راهکارهای ارائه شده از سوی برخی از پژوهش‌هایی که در بالا بدان اشاره شد مورد توجه قرار گرفته است اما افتادن از دو سوی بام توصیف و کلی‌گویی نظری و سپس بیان راهکارهای کشکولی و همه چیز در برگیر؛ اکتفاء نتایج‌شان برای حل مسائلی که خود بر شمرده‌اند را ممتنع می‌کند. مسئله پژوهش حاضر از میان تمام مراحل و فرایندهای سیاستگذاری صرفاً مرحله تعیین دستور کار و عوامل مؤثر بر آن را مورد توجه قرار می‌دهد. با بررسی انجام گرفته توسط نگارندگان مقاله مشخص شد که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین تعیین دستور کار و عوامل مؤثر بر آن مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین پژوهش حاضر مبتنی بر این پرسش‌ها است که آیا دستورکارهای سیاستگذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران با در نظر گرفتن ویژگی‌ها، اقتضات و نیازهای فرهنگی شهر و شهروندان تهرانی تعیین شده‌اند؟ عوامل شکل دهنده دستورکارها چیست؟ چگونه اولویت بندی می‌شوند و از میان سایر بدیل‌ها سر بر می‌آورند؟ آیا تفاوت‌های فرهنگی در این کلانشهر، در این دستورکارها منعکس شده‌اند؟ موضوع پایتختی شهر تهران چگونه در این دستورکارها منعکس شده است؟ و آیا اساساً دستورکارهای فرهنگی تحت تأثیر بافتار و ساختار اجتماعی و فرهنگی تهران شکل گرفته‌اند؟ آیا آن‌ها به صورت مکمل و همسو با سیاست‌های توسعه شهری شکل گرفته‌اند یا متأثر از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و منافع شخصی و گروهی سیاستگذاران؟ با مرور نتایج پژوهش‌هایی که در بالا بدان اشاره شد پاسخ اولیه به این پرسش‌ها منفی است.

۲. ادبیات پژوهش

فرهنگ که در بستر تاریخ و حیات اجتماعی شکل می‌گیرد شکل و قالبی نیست که مردم اتفاقی و از سر قضا و قدر در آن زندگی کنند، بلکه هموار در حال «گزینش و سازماندهی گذشته و حال» و «ذاتاً بازتولیدپذیر است» (ویلیامز، ۱۳۹۶: ۲۳۳). از این رو دولت‌ها همواره با اهداف گوناگون در پی شکل دهی به آن هستند. در واقع فرهنگ می‌تواند یکی از موضوعات سیاستگذاری عمومی باشد. سیاست فرهنگی را می‌توان در دو معنا به کار برد. معنای اول ناظر بر برنامه‌ها و اقداماتی است که دستگاه‌های دولتی / حاکمیتی در حوزه‌های فرهنگی انجام می‌دهند. معنای دوم اما فلسفه و نظام اعتقادی دولت / حاکمیت در حوزه فرهنگی را در بر می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۰۵ و رورتی، ۱۳۹۶: ۳۱). در این پژوهش، معنای اول سیاست فرهنگی که در آن مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی نیز قابل گنجایش است مد نظر است و برای پرهیز از خلط مبحث و اجتناب از فلسفه‌گویی، تا حد امکان از کاربرد مفهوم سیاست فرهنگی صرف نظر و در عوض مفهوم سیاستگذاری فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر مفهوم سیاستگذاری فرهنگی با

مباحث سیاست‌گذاری شهری نیز پیوند می‌خورد. سیاست‌گذاری شهری به عنوان یکی از حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی به دنبال حل مسائل شهری است. هر چند معنای سیاست‌گذاری شهری بسته به ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی و مشکلات شهری نیازمند مداخله متغیر است، اما در ادبیات برنامه‌ریزی شهری غالباً آن را بدیلی مفهومی برای سیاست‌گذاری رفاه شهری می‌دانند. در این معنا سیاست‌گذاری شهری به عنوان دانشی بین‌رشته‌ای به دنبال بسیج همه حوزه‌های مطالعات شهری برای ارائه راه حل مشکلاتی نظیر مسکن، مددکاری (حمایت) اجتماعی، آموزش، بهداشت، دفع زباله و نظایر این‌ها است. همچنین هم‌راستا سازی فرایندهای مختلف توسعه شهری، از رونق تجارت و اشتغال تا گردشگری و امکانات فرهنگی، نیز از جمله دستور کارهای سیاست‌گذاری شهری است (کاکرین، ۲۰۲۰: ۹۳ - ۶۹). در پژوهش «سیاست‌گذاری فرهنگی و میدان قدرت در شهر تهران» مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری ناظر بر اصول، راهبردها و برنامه‌های مدیریت شهری برای ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌برداری از فرهنگ در راستای اهداف سیاست‌گذاری شهری است.

در پژوهش حاضر، با هدف اینکه بتوانیم تمام ابعاد و جریان‌های تاثیر گذار بر این موضوعیت را مورد واکاوی قرار دهیم، از مدل تحلیلی هاوالت و همکاران (۲۰۱۴) که با استعاره «تلاقی پنج جریان» از آن نام برده‌اند استفاده می‌کنیم. در این مدل توجه به سه جریان فرایند شکل‌گیری مسئله، فرایند سیاست‌گذاری و فرایند سیاسی (محیط سیاسی) حاکم بر سیاست‌گذاری واجد اهمیت است. علاوه بر این، دو جریان ارزیابی استراتژیک و انتخاب‌ها ممکن و تنظیم با دستور کارهای پیشین در اتخاذ در دستور کارگذاری موثر هستند (هاوالت، مک‌کانل و پرل، ۲۰۱۴: ۹). جریان مسئله ناظر بر یک مشکل عمومی است که تعداد زیادی از مردم را درگیر خود کرده است و افراد زیادی بر سر اینکه دولت باید برای مواجهه با آن وارد عمل شود اجماع دارند (اندرسون، ۱۳۸۵: ۱۶). جریان سیاسی همان راه‌حل‌های بالقوه است که تحت تاثیر تمایلات و ایده‌های سیاست‌گذاران، متخصصان و گروه‌های لابی‌گر که روی هم اجتماع سیاست‌گذاران را شکل می‌دهند، خلق می‌شوند (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰). در واقع نتیجه بحث و گفتگو در این اجتماع «معجون اولیه خط مشی [سیاست]» است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۴۲). جریان سیاسی ناظر بر تاثیر پذیری سیاست‌ها از جایگاه دولت نزد افکار عمومی و جابجایی و تغییر دولت است (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰). در این جریان، سیاست‌گذاری یک فعالیت سیاسی ضروری است که با توجه به گفتمان‌های سیاسی حاکم، قدرتمندان را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی در خصوص حل مشکلات عمومی مجاب می‌کند (زتون، ۲۰۱۴: ۱۸۷). جریان ارزیابی استراتژیک و نیل به دستور کارهای سیاسی، شکل‌گیری محصول حاصل از تلاقی، تضارب و آمیزش سه جریان مسئله، سیاسی و سیاستی را توضیح می‌دهد (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰). در این جریان سیاست‌گذاران همچنین گزینه‌های سیاسی متفاوتی را بررسی می‌کنند که انتخاب هر یک از آن‌ها عواقب مختلفی را به دنبال خواهد داشت (ولنتینا و همکاران، ۲۰۱۹: ۴). جریان تنظیم با دستور کار پیشین نیز پیش از عملیاتی شدن دستور کار جدید شکل می‌گیرد (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۶: ۹) و در خلال آن برنامه‌ها و ابزارهای لازم برای مواجهه با سیاست‌های از قبل تثبیت شده فراهم می‌شود.

به طور کلی جریان‌ها و فرایندهای مرتبط با شکل‌گیری دستور کار سیاست‌گذاری پیچیده هستند، به طوری که هر یک از بازیگران، با هدف کسب تمایلات بیشتر، نهایت قدرت خود را برای استفاده از هر امکانی برای کمک به پیکربندی مجدد یا مسدود کردن سایر جریان‌ها به کار می‌بندند (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳). در این پژوهش سوای این پنج جریان، به دلیل ویژگی‌های خاص سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران «جریان ایدئولوژی انقلابی اسلامی» نیز به عنوان جریان ششم مورد توجه قرار گرفته است. چه اینکه حاکمیت «گفتمان معنویت» از اهداف اساسی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) بوده است (اشتریان، ۱۳۸۹: ۵۴) و از آنجایی که آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها از جمله متغیرهای مهم در تعیین موضوعات، مسائل محل مداخله و سیاست‌گذاری فرهنگی هستند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۵۱)؛ می‌توان اثرگذاری آن‌ها را به طور مستقل از جریان سیاسی مورد توجه قرار داد.

از آنجایی که هدف ما واکاوی و بازسازی تاریخ کنش‌ها و ساختارهای درگیر در شکل‌گیری سیاستگذاری فرهنگی شهری است، استفاده از مدل جریان‌های شش‌گانه در چارچوب رویکرد جامعه‌شناسانه بوردیو صورت می‌گیرد. مدل بوردیو سه سطح تحلیلی دارد: الف. تحلیل جایگاه میدان پدیده مورد بررسی در میدان قدرت، ب. شناخت ساختار روابط بین عاملان گوناگون فعال در میدان که به دنبال کسب اعتبار و قدرت با یکدیگر رقابت میکنند و ج. تحلیل نظام فکری و رفتاری عاملان که همان عادتواره ایشان است (گرنفل، ۲۰۱۴: ۲۱۱).

یکی از نمونه‌های کاربرد رویکرد بوردیو در تحلیل میدان سیاستگذاری توسط خود وی در تحلیل بازار مسکن تک واحدی در فرانسه صورت گرفته است. بوردیو (۱۳۹۵) در این پژوهش نشان می‌دهد که به لحاظ روش‌شناختی نمی‌توان در تحلیل سیاستگذاری اقتصادی فرایند تکوین موضوعات و تعدد بازیگران را نادیده انگاشت (ص ۱۷ - ۱۴). همچنین قریحه متقاضیان خرید مسکن در بطن تاریخ زندگی‌شان شکل می‌گیرد و در این میدان انواع شرکت‌های خصوصی و نیز دولت در جایگاه تعیین‌کننده نهایی، در پی بر ساخت سیاست‌ها هستند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۴ - ۲۳). هیلیر (۱۳۹۵) در کتاب «سایه‌های قدرت» نظریه «برنامه‌ریزی گفتگویی» برای کاربری زمین را تشریح کرده است. وی در پی تبیین و پروتو افکنی به شبکه‌های مناسباتی پیچیده، ساختار سیاسی و چندگانگی فعالیت‌ها در فرایند سیاستگذاری، نظریات فوکو، هابرماس و بوردیو را برای تبیین چگونگی بر آمدن دستورکارها یکدیگر تلفیق کرده است (ص ۳۶۱ - ۲۳۹). دوبوا (۲۰۱۵) نیز در مطالعه‌ای نظری با عنوان «میدان و سیاستگذاری عمومی» با طرح این موضوع که پژوهش‌های سیاستگذاری از مفاهیم و روش‌های جامعه‌شناسی دور افتاده‌اند از رویکرد روش‌شناختی و مفاهیم مورد استفاده بوردیو برای تحلیل فضایی که در آن سیاست‌های عمومی شکل می‌گیرند استفاده کرده است (ص ۱۹۹).

۳. روش

پژوهش حاضر ماهیتی کیفی دارد و در خلال آن با استفاده از روش تحلیل مضمون عوامل موثر بر موضوعیت پیدا کردن سیاستگذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران (۱۳۹۶ - ۱۳۶۸) واکاوی و نقد شده است. تحلیل مضمون روشی است که در آن از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها استفاده می‌شود. این نوع تحلیل در وهله اول، به دنبال الگویابی در داده‌هاست و زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست‌آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی مضمون‌ها/تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۸: ۳۸۹). در این روش مهمترین ابزار دسته‌بندی و تحلیل، کدگذاری است و در پژوهش حاضر دو نوع کدگذاری «کل‌نگر» و «علی» انجام شده است (سالدنا، ۱۳۹۵، ص ۲۵۳). در این چارچوب داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۵ نفر از کارگزاران شهری اعم از سیاستگذاران عمومی شهری، سیاستگذاران فرهنگی شهری و عناصر اجرایی میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری که در بازه زمانی مورد پژوهش از بازیگران اصلی محیط سیاستگذاری فرهنگی شهری بوده‌اند کد گذاری و تحلیل شده است.

بازه زمانی پژوهش از دی ماه سال ۱۳۶۸ مقارن با شهردار شدن غلامحسین کرباسچی آغاز و تا شهریور سال ۱۳۹۶ مقارن با پایان شهرداری محمدباقر قالیباف را در بر می‌گیرد. در این دوره شهرداری تهران ۵ شهردار و ۳ سرپرست را به خود دیده است (مهرگان و داوری ۱۳۹۹: ۹). برای روشن‌تر شدن ویژه‌گی‌ها، تمایزات و شباهت‌ها، با توجه به زمینه اجتماعی سیاسی که در آن شهرداری اداره می‌شده، به چهار دوره سازندگی (۱۱۱ ماه از دی ۱۳۶۸ تا خرداد ۱۳۷۸) اصلاح‌طلبان (۴۵ ماه از خرداد ۱۳۷۸ تا اردیبهشت ۱۳۸۲)، آبادگران (۲۸ ماه از اردیبهشت ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۴) و اصول‌گرایان (۱۴۳ ماه از شهریور ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۹۶) دسته‌بندی شده است.

۴. نتایج

هر چند دستورکارگذاری فرهنگی در مدیریت شهری تا قبل از سال ۱۳۶۸ با مضامینی نظیر ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی و فعالیت‌های آموزشی مسبوق به سابقه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بی تا و معاونت حقوقی ریاست جمهوری، بی تا و مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۹۲: ۲۲۹)؛ اما از زمان انتصاب غلامحسین کرباسچی به عنوان شهردار تهران موضوعیتی مهم پیدا کرده است و می‌توان از چرایی آن پرسش کرد. پاسخ به این پرسش با استناد به ۳۹ مضمون اصلی احصاء شده از مصاحبه‌های پژوهش روایت و تحلیل می‌شود.

جدول ۱. مضمون‌های اصلی مربوط به موضوعیت پیدا کردن سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران ۱۳۹۶ - ۱۳۶۸ (استخراج شده از مصاحبه‌های پژوهش ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰)

| ردیف | مضمون اصلی | کد |
|------|--|--------|
| ۱ | اراده سیاسی در وزارت کشور برای ایفای درست نقش‌های خدماتی مدیریت شهری و سپردن نقش‌های جدید به آن با توجه به تحولات اجتماعی | MA1-1 |
| ۲ | توان اجرایی، همسویی با سیاست‌های دولت، و تجربه موفق در اصفهان دلایل انتصاب کرباسچی به عنوان شهردار تهران | MA1-2 |
| ۳ | زمینه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شهری | MB1-1 |
| ۴ | چهار مرحله تحولی در مدیریت شهری (خدماتی، عمرانی، نظم و نسق بخشی و اجتماعی و فرهنگی) | MB1-2 |
| ۵ | پیشگامی شهرداری دوره سازندگی برای ورود به فاز فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی با هدف تغییر زائقه شهروندان | MB1-3 |
| ۶ | استقبال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی توسط شهرداری | MB1-11 |
| ۷ | سازوکارهای همراه سازی بدنه شهرداری در انجام فعالیت‌های فرهنگی هنری: انسجام در تصمیم‌گیری و اجرا به محوریت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی | MB1-13 |
| ۸ | پایان جنگ تحمیلی ضرورت توجه به زیبایی و شادی و نشاط و تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی | MHK1-1 |
| ۹ | اجماع سازی در مورد اجرای دستورکارها و فعالیت‌های فرهنگی توسط شهرداری | MHK1-8 |
| ۱۰ | شروع نگاه فرهنگی در شهرداری تهران از دوره کرباسچی با هدف زمینه سازی برای پوست اندازی جامعه از نهادهای بسیج‌گری سنتی به جامعه مدنی عملیاتی شده است | KG1-1 |
| ۱۱ | الگوپردازی ایجاد فضاهای فرهنگی توسط شهرداری تهران از شهرداری پاریس | MV1-1 |
| ۱۲ | موضوعیت پیدا کردن سیاست فرهنگی در شهرداری تهران | MH1-1 |
| ۱۳ | تعیین دستورکار با نظر شورای مشاوران و اخذ تأیید از شورای معاونین شهرداری | MH1-3 |
| ۱۴ | الگوپردازی رویکرد فرهنگی شهرداری تهران در دهه ۱۳۷۰ از شهرداری اصفهان در دهه ۱۳۶۰ | MHM1-1 |
| ۱۵ | اعمال اقتدار برای همسوسازی نیروهای شهرداری در اجرای تصمیمات استراتژیک | MHM1-4 |
| ۱۶ | الگوپردازی رویکرد فرهنگی شهرداری تهران در دهه ۱۳۷۰ از شهرداری اصفهان در دهه ۱۳۶۰ | BG1-1 |
| ۱۷ | استفاد از ظرفیت پژوهشگران و هنرمندان برای مشخص کردن رئوس سیاست‌گذاری فرهنگی در شهرداری تهران | BG1-3 |
| ۱۸ | الگوپردازی رویکرد فرهنگی شهرداری تهران در دهه ۱۳۷۰ از شهرداری اصفهان در دهه ۱۳۶۰ | AR1-2 |
| ۱۹ | ایده پردازی دستورکارهای فرهنگی توسط اهالی فرهنگ و عملیاتی سازی توسط محقانی به عنوان یک مدیر اجرایی مقتدر | AR1-3 |
| ۲۰ | تعریف دستور کار جدید در حوزه‌های مسائل اجتماعی و ورزش همگانی برای جلوگیری از تقابل با سازمان فرهنگی هنری | AR2-1 |
| ۲۱ | اهمیت فرهنگ در منظومه فکری جریان احمدی‌نژاد | AK3-2 |
| ۲۲ | بی توجهی به نظرات مخالفان دستورکارهای سازمان فرهنگی هنری در عین عدم تعارض با سایر بخش‌های فرهنگی حاکمیت برای پیشبرد سیاست‌ها شهرداری و سازمان و حاکمیت | AK3-8 |
| ۲۳ | تغییر نگاه مردم در مورد شهرداری از نهادهای خدماتی به نهادهای خدماتی فرهنگی و الگوسازی در انجام فعالیت‌های فرهنگی برای سایر کلانشهرها | HK3-1 |
| ۲۴ | پایان نگاه قلکی (صرفاً تأمین‌کنندمالی فعالیت‌های فرهنگی) سایر ارگان‌ها به شهرداری | HK3-2 |

| ردیف | مضمون اصلی | کد |
|------|---|---------|
| ۲۵ | همسویی احمدی‌نژاد با تفکر ایدئولوژیک حاکم بر سازمان فرهنگی هنری و توزیع پول و امکانات بین اقشار فرهنگی برای جلب پایگاه رای | AR3-1 |
| ۲۶ | تمسخر معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری توسط سایر بخش‌های شهرداری به دلیل نوع فعالیت‌های فرهنگی که در آن در دستور کار قرار داشت | AR3-6 |
| ۲۷ | منابع فکری جریان قالیباف که شکل دهنده رویکرد اجتماعی وی در نیروی هوایی سپاه، نیروی انتظامی و شهرداری تهران بوده است | AK4-1 |
| ۲۸ | توسعه اجتماعی به عنوان رویکرد پایه قالیباف در شهرداری تهران که مولفه‌های شهروندمداری، حقوق و تکالیف شهروندی، متناسب کردن شهر برای زیست مؤمنانه و تبدیل سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی را در بر می‌گیرد. | AK4-2 |
| ۲۹ | مخالفت بدنه شهرداری و شورای شهر با رویکرد قالیباف و سطح بندی حوزه‌های فعالیت با این رویکرد که در انتهای اجتماعی و فرهنگی باید اصل و بقیه حوزه‌ها پیوست آن باشند | AK4-3 |
| ۳۰ | نگاه جامعه محور قالیباف به حل مسائل که با نگاه اصولگرایان متفاوت است | KG4-1 |
| ۳۱ | عملیاتی کردن رویکرد جامعه محوری در شهرداری تهران به عنوان عملیاتی‌ترین ساختار ممکن | KG4-2 |
| ۳۲ | تفاوت سیاست فرهنگی کرباسچی و قالیباف دغدغه‌مندی در مورد ارزش‌های متعالی است | KG4-3 |
| ۳۳ | مدیریت فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در فضای بحرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و پاسخگویی به انتظارات سایر دستگاه‌ها برای مشارکت گسترده شهرداری در برگزاری برنامه‌های مناسبی | MHA4-1 |
| ۳۴ | مهمترین دلیل فعالیت‌های فرهنگی، شعار شهردار وقت تهران مبنی بر تبدیل شهرداری از سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی بود که برنامه‌های آن با مطالعه تجارب و استفاده از ظرفیت نخبگان در اتاق‌های اندیشه ورزی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی طراحی و اجرا می‌شد | MHA4-2 |
| ۳۵ | استمداد از سپاه و توافق شهردار وقت و فرمانده کل سپاه وقت برای مدیریت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران | AMN4-1 |
| ۳۶ | پیشبرد رویکردهای تحولی فرهنگی با اقتدار تفیذ از سوی شهردار و مبتنی بر نظام سلسله مراتبی شهرداری و استفاده از شبکه حزب‌اللهی‌های شهرداری | AMN4-13 |
| ۳۷ | سیاست‌های کلی دوره اصول‌گرایان برای تعریف برنامه‌های فرهنگی | ER4-1 |
| ۳۸ | دستور کارگذاری با اتکاء به توان اداره کل فرهنگی | ER4-7 |
| ۳۹ | تقسیم کار برای تحقق سیاست فرهنگی شهرداری تهران: ایده پردازی توسط شورای فرهنگی و اجرا توسط معاونت امور اجتماعی فرهنگی شهرداری | MA1-10 |

۳-۱- انتظار دولت برای ایفای نقش‌های نهادینه شده شهرداری

سال ۱۳۶۸ مقارن با سال نخست دولت اول هاشمی رفسنجانی و شروع دوران سازنگی کشور است. در این دوران شهرداری‌ها به طور کامل تابع وزارت کشور بودند و به عنوان بخشی از ساختار اجرایی دولت ایفای نقش می‌کردند. عطریانفر از مسئولین وزارت کشور در اواخر دهه شصت و از افراد تأثیرگذار در شکل‌گیری دستورکارهای فرهنگی در مدیریت شهری، انتظار دولت از شهرداری تهران در مقطع انتصاب کرباسچی به عنوان شهردار را در درجه اول ایفای درست و کارآمد نقش‌های خدماتی در حوزه‌های ساخت و ساز، نظافت شهر و ترافیک می‌داند. این سه انتظار، نقش‌های نهادینه شده شهرداری تهران تا قبل از انتصاب کرباسچی در دی ماه ۱۳۶۸ هستند که به زعم عطریانفر شهرداران قبلی توفیق چندانی در ایفای آن نداشته‌اند. از این رو تحت تأثیر تحولات اجتماعی و تغییرات سطوح قدرت به محوریت ارتحال امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، پایان ۸ سال جنگ تحمیلی، رئیس‌جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ضرورت سازندگی کشور، تحول در شهرداری تهران برای ایفای کارویژه‌های نهادینه شده خدماتی و عمرانی و علاوه بر آن کارویژه‌های جدید متناسب با شرایط اجتماعی اجتناب ناپذیر بوده است (کد MA1-1، ردیف، ۱، جدول ۱).

۳-۲- همسویی با سیاست‌های سازندگی

در چنین شرایطی تجربه مدیریت شهری اصفهان با ترکیب کرباسچی به عنوان استاندار و ملک‌مدنی به عنوان شهردار الگوی مدیریتی مناسبی برای تحقق تحول در شهرداری تهران پیش روی وزارت کشور دولت سازندگی قرار داده است. در واقع کرباسچی به عنوان یک مدیر سیاسی با توان و تسلط اجرایی، همسو با سیاست‌های دولت سازندگی و مورد حمایت مقامات عالی نظام به عنوان شهردار تهران انتخاب می‌شود تا، با مشورت ملک‌مدنی که به عنوان شهردار اصفهان تجربه موفق‌تری را در دهه ۱۳۶۰ از خود به جا گذاشته است، رویکرد تحولی مد نظر دولت را رقم زند (کد MA1-2، ردیف ۲، جدول ۱). همسویی کرباسچی با ارزش‌های دولت سازندگی و توان اجرایی مدیریتی‌اش حاکی از اهمیت منش و عادت‌واره او و تفوق جریان سیاسی در انتخاب شهردار است.

۳-۳- به کار گیری ترکیب مدیریت شهری اصفهان در تهران

اثر تجربه مدیریت شهری اصفهان بر انتصاب کرباسچی به عنوان شهردار تهران و اتخاذ سیاست‌های فرهنگی، توسط ملک‌مدنی، غریب‌پور و رفیع‌مورد توجه قرار گرفته است. ملک‌مدنی مشاور اصلی کرباسچی در شهرداری تهران با استناد به ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی در شهر اصفهان (هنرستان موسیقی، کتابخانه و تئاتر عروسکی) و ایجاد ساختار و تشکیلات فرهنگی در شهرداری اصفهان به طور صریح قائل به الگوگیری شهرداری تهران دهه ۱۳۷۰ از شهرداری اصفهان دهه ۱۳۶۰ است (کد MHM1-1، ردیف ۱۴، جدول ۱). کما اینکه غریب‌پور از هنرمندان برجسته تئاتر کشور و نخستین مدیر فرهنگسرای بهمن به سابقه همکاری خود با ملک‌مدنی در شهرداری اصفهان اشاره می‌کند (کد BG-1-1، ردیف ۱۶، جدول ۱). رفیع‌مورد از مدیران فرهنگی برجسته شهرداری تهران در ۳۰ سال گذشته نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد (کد AR1-2، ردیف ۱۸، جدول ۱).

۳-۴- همسویی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با سیاست فرهنگی شهرداری

علاوه بر اراده وزارت کشور - به عنوان یکی از ارکان مدیریت شهری در دوران سازندگی - برای تحول در مدیریت شهری تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به عنوان متولی فرهنگ و هنر از ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی توسط شهرداری استقبال می‌کرده است (کد MB-1-11، ردیف ۶، جدول ۱). به گفته خوش‌نویس از مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سازندگی که در آن دوران در شهرداری تهران نیز در حوزه‌های فرهنگی ایفای نقش کرده است، با پایان جنگ تحمیلی وزارتخانه مذکور طراحی و اجرای مجتمع‌های فرهنگی و سینمایی در شهرهای کشور را در دستور کار داشته است، این دستور کار با ضرورت توجه به زیبایی، شادی و نشاط در فضاهای شهری تهران پس از جنگ و ایده‌های فرهنگی شهردار وقت تهران همراه شده است (کد MHK1-1، ردیف ۸، جدول ۱). در واقع میدان سیاستگذاری فرهنگی در مقیاس ملی تحت تأثیر جریان مسئله از شهرداری تهران انتظاراتی برای گسترش زیرساخت‌های فرهنگی داشته است. این انتظارات در تعریف ساحات فرهنگی توسط مدیران عالی فرهنگی هنری که با شهردار شدن کرباسچی در میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری ایفای نقش کرده‌اند آشکار است.

۳-۵- ساحات فرهنگ و برنامه ریزی برای تغییر ذائقه شهروندان

بهشتی که یکی از مدیران برجسته فرهنگی هنری کشور و شهرداری تهران در دوران سازندگی بوده است سه ساحات فرهنگی را از یکدیگر متمایز و شهرداری را در قبال همه آن‌ها مسئول می‌داند. ساحات نخست شامل فرهنگ به مثابه کالاهای فرهنگی نظیر کتاب، مطبوعات و هنر است. ساحات دوم ناظر بر پرسش از ویژگی‌های اجتماعی و پرسش از احوال شهر است، به عنوان مثال وضعیت

ناهنجاری‌های اجتماعی شهر و رضایت شهروندان از خدمات شهری در این حوزه قرار می‌گیرد. ساحت سوم فرهنگ را به عنوان موضوعی فرابخشی در نظر می‌گیرد که هر یک از دستگاه‌های سیاستگذاری و اجرایی در قبال آن تکالیفی قانونی بر عهده دارند، در این ساحت ممکن است فعالیت‌های شهرداری تحت سیاستگذاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا هر دستگاه دیگری انجام شود (کد MB-1-1، ردیف ۳، جدول ۱). در واقع رویکرد تحولی مدیریت شهری، ساحات مختلف و میدان‌های گوناگون سیاستگذاری فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. بهشتی برای مدیریت شهری چهار مرحله تحولی شامل خدماتی، عمرانی، نظم و نسق بخشی و اجتماعی و فرهنگی را ترسیم می‌کند و معتقد است شهرداری تهران در دوره سازندگی در عین حال که به طور عملی در فاز دوم (عمرانی) بوده، وارد فاز چهارم (اجتماعی و فرهنگی) شده است. وی هدف شهرداری از این جهش را تغییر ذائقه شهروندان و دامن زدن به مطالبه‌گری ایشان در زمینه‌های فرهنگی هنری می‌داند (کد MB-1-2، ردیف ۴ و کد MB1-3، ردیف ۵، جدول ۱). در واقع سیاستگذاران عالی شهری با علم به اینکه شهرداری تهران در مراحل تحولی خود هنوز به طور کامل از عهده حل مسائل خدماتی، عمرانی و نظم بخشی برنیا آمده است، با ارزیابی استراتژیک به این نتیجه رسیده‌اند که علی‌رغم فقدان مطالبه‌گری، سیاستگذاری فرهنگی را با هدف تغییر ذائقه شهروندان در دستور کار قرار دهند.

۳-۶- برنامه ریزی برای گذار از نهادهای بسیج‌گری سنتی به جامعه مدنی

قیدرلو از مسئولین فرهنگی شهرداری در دوره اصول‌گرایان در تحلیلی مؤید نظر بهشتی در مورد دامن زنی به تغییر ذائقه شهروندان، هدف از فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در دوره سازندگی را زمینه‌سازی برای پوست اندازی جامعه از نهادهای بسیج‌گری سنتی به جامعه مدنی می‌داند، چه اینکه یکی از عوامل ظهور دوم خرداد ۱۳۷۶ را سیاست توسعه فرهنگی شهرداری در نظر می‌گیرد؛ این همان تأثیر جریان‌های سیاسی بر شکل‌گیری دستورکارهای فرهنگی است. قیدرلو همچنین نقش نیازهای جامعه در سیاست فرهنگی شهرداری تهران را نیز در نظر می‌گیرد و به نوعی اثر جریان مسئله در شکل‌گیری دستورکار سیاستگذاری فرهنگی شهری را برجسته می‌کند. به زعم قیدرلو ویژگی‌های هنرمندان و برنامه‌هایی که در فضاهای فرهنگی شهرداری ظهور و بروز داشته است ناظر بر حوزه‌های تاریخ‌مند جامعه ایران نبوده است و هدف نهایی سیاستگذاران فرهنگی شهری از توسعه زیرساخت‌ها کاشتن بذر جامعه مدنی مستقل از نهادهای سنتی نظیر مساجد بوده است. به روایت وی، تأسیس بناهای فرهنگی غیر تاریخ‌مند در فضایی که جریان سیاسی محافظه‌کار به دنبال راه‌اندازی کانون‌های فرهنگی مساجد برای مواجهه با تغییرات فرهنگی بوده است، در نهایت این جریان را به این جمع‌بندی می‌رساند که سیاست فرهنگی شهرداری تهران در تقابل با مساجد اتخاذ شده است (کد KG1-1، ردیف ۱۰، جدول ۱). در همین راستا واعظی نخستین رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و از چهره‌های محافظه‌کار مخالف سیاست‌های فرهنگی شهرداری در دوره سازندگی قائل به الگوگیری کرباسچی برای گسترش فضاهای فرهنگی از مجموعه ژرژ پمپیدو و خانه‌های فرهنگ شهرداری پاریس است (کد MV1-1، ردیف ۱۱، جدول ۱). اما حقانی نخستین معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران مهمترین هدف دستورکارهای فرهنگی شهرداری را تثبیت فعالیت‌های عمرانی و خدمات شهری می‌داند (کد MH1-1، ردیف ۱۲، جدول ۱).

۳-۷- اتخاذ سیاست در دایره مدیران و مشاوران و عملیاتی سازی مقتدرانه

موضوع مهم دیگر در زمینه تعیین دستورکارهای فرهنگی شهرداری تهران در دوره سازندگی، سازوکار تصمیم‌سازی و اجماع‌سازی در مواجهه دستورکار جدید با دستورکارهای پیشین است. ملک‌مدنی مشاور اصلی شهردار تهران در این دوره سیاست جدید شهرداری را از

جنس تصمیمات استراتژیک واقع‌بینانه می‌داند که توسط مدیران عالی اتخاذ و بدنه شهرداری در عملیاتی کردن آن هدایت و مجبور به تمکین بوده‌اند (کد 4-MHM1، ردیف ۱۵، جدول ۱). به عبارت بهتر تنظیم دستور کار جدید با دستورهای پیشین به صورت غیر مشارکتی با بدنه اجرایی شهرداری و دستوری انجام می‌شده است. البته در این میان از ظرفیت پژوهشگران و هنرمندان برای مشخص کردن رؤس سیاستگذاری فرهنگی نیز استفاده می‌شده است (کد 3-BG1، ردیف ۱۷، جدول ۱). به گفته حقانی تصمیمات فرهنگی پس از طرح و تصویب در شورای مشاوران معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری که اعضاء آن از مشاوران شهردار بوده‌اند برای اجرا به تأیید شورای معاونین شهرداری می‌رسیده است (کد 3-MH1، ردیف ۱۳، جدول ۱). عطریان‌فر از این شورا با عنوان شورای فرهنگی شهرداری تهران نام می‌برد و می‌گوید ایده پردازی فعالیت‌هایی مانند ایجاد خانه فرهنگ در مناطق و تملک خانه فرهیختگانی مانند سید جعفر شهیدی و تأسیس فضاهای فرهنگی در آن توسط شورای فرهنگی صورت می‌گرفت و اجرای آن به محوریت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری به مناطق سپرده می‌شد (کد 10-MA1، ردیف ۳۹، جدول ۱). به عبارت بهتر جریان سیاستگذاری در دوره سازندگی نخبگانی بوده است. بهشتی انسجام در تصمیم‌گیری و اقتدار و مشورت‌پذیری حقانی در جایگاه معاون امور اجتماعی و فرهنگی که خاستگاه آن در شهرداری معاونت خدمات شهری بوده است را از جمله سازوکارهای همراه سازی بدنه شهرداری در اجرای دستورکارهای فرهنگی می‌داند (کد 13-MB1، ردیف ۷، جدول ۱۶۱۷ در این زمینه رفیع به ایده پردازی دستورکارهای فرهنگی توسط اهالی فرهنگ و عملیاتی سازی آن توسط حقانی به عنوان یک مدیر اجرایی مقتدر اشاره می‌کند (کد 3-AR1، ردیف ۱۹، جدول ۱۶). در عین حال به گفته خوش‌نویس اجماع سازی در درون و بیرون شهرداری تهران برای تداوم سیاست‌های فرهنگی با افتتاح پشت سر هم زیرساخت‌های فرهنگی و رویت‌پذیری تأثیر گسترش این فضاها بر رفع فقر تهران در این زمینه صورت انجام می‌شده است.

۳-۸- تحمیل میدان سیاسی بر میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری

در دوره اصلاح‌طلبان به دلیل الزام به تحویل فضاهای فرهنگی هنری به سازمان فرهنگی هنری از انگیزه شهرداری تهران برای توسعه زیرساخت‌ها کاسته می‌شود و در عوض بر روی مسائل اجتماعی و ورزشی تمرکز می‌شود. البته بخشی از فضاهای فرهنگی نیز برای امتناع از تحویل به سازمان، با نام خانه مشق مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (کد 1-AR2، ردیف ۲۰، جدول ۱). این تغییر رویکرد حاکی از تحمیل اراده میدان و جریان سیاسی بر میدان سیاستگذاری فرهنگی در درون شهرداری است.

۳-۹- همسویی و تفوق میدان سیاسی بر میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری

این در حالی است که در دوره آبادگران با همسویی سیاسی جریان حاکم بر مدیریت شهری تهران و نهادهای سیاستگذاری فرهنگی در سطح ملی، تأمین زیرساخت‌های فرهنگی به عنوان مقدمه رشد و تعالی جامعه در دستور کار شهرداری تهران قرار می‌گیرد (کد 2-AK3، ردیف ۲۱، جدول ۱). کاشانی عضو شورای شهر دوم و از اعضاء برجسته جریان آبادگران هدف از تعیین دستورکارهای فرهنگی را تغییر نگاه مردم در مورد شهرداری از نهادی خدماتی به نهادی خدماتی فرهنگی و الگوسازی در انجام فعالیت‌های فرهنگی برای سایر کلانشهرها عنوان می‌کند (رجوع کنید به کد 1-HK3 در ردیف ۲۳ جدول شماره ۱۷). در حالی که کاشانی دستورکار گذاری فرهنگی در دوره آبادگران را در راستای پایان بخشیدن به نگاه قَلکی وزارت علوم، آموزش و پرورش، وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و سپاه به شهرداری می‌داند (کد 2-HK3، ردیف ۲۴، جدول شماره ۱۷) رفیع از همسویی احمدی‌نژاد، به عنوان شهردار منتخب آبادگران، با تفکر ایدئولوژیک حاکم بر سازمان فرهنگی هنری و توزیع پول و امکانات بین اقشار فرهنگی برای جلب پایگاه

رای به عنوان دستورکار فرهنگی این دوره یاد می‌کند و می‌گوید (کد AR3-1، ردیف ۲۵، جدول ۱): «... در حوزه فرهنگی آقای احمدی‌نژاد با توزیع پول، توزیع امکانات در جایی که می‌توانست پایگاه رأیی برای خودش ایجاد کند؛ واقعاً نگاهش سیاسی بود». با توجه به اینکه نخستین شهردار منتخب آبادگران با فاصله کمتر از دو سال از انتصاب در قامت رئیس جمهور ظاهر شد، توزیع پول و امکانات بین اقشار اجتماعی و هدف الگوسازی فرهنگی برای سایر کلانشهرها، نشان از استفاده از فرصت تسلط بر مدیریت شهری تهران برای شبکه سازی است. از این رو جریان سیاسی در دوره آبادگران دارای تفوق بوده است.

۳-۱۰- تمسخر سیاست‌گذاری فرهنگی شهری

یک مقام ارشد سازمان فرهنگی هنری شهرداری در دوره آبادگران، که در زمره حلقه اول مشائی رئیس وقت این سازمان به شمار می‌رود و بنا بر ملاحظات شخصی نخواست نام‌اش در این پژوهش آورده شود، در خصوص نحوه مواجهه بخش‌های مختلف شهرداری با دستورکارهای فرهنگی جدید این سازمان به بی‌توجهی سیاست‌گذاران به نظرات مخالفان اشاره می‌کند. این مواجهه حکایت از عدم موضوعیت اجماع سازی برای اتخاذ سیاست‌های فرهنگی در درون شهرداری و صورت محفلی سیاست‌گذاری فرهنگی در دوره آبادگران دارد. در این در حالی است که رفیع یادآور می‌شود در آن برهه سایر بخش‌های شهرداری معاونت امور اجتماعی و فرهنگی را به دلیل ماهیت دستورکارهای جدید مورد تمسخر قرار می‌داده‌اند (کد AR3-6، ردیف ۲۶، جدول ۱). در این دوره سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در شکاف با بدنه و سابقه فعالیت‌های فرهنگی در این سازمان همراه بوده است. مقام بی نام سازمان فرهنگی هنری همچنین عدم تعارض سایر بخش‌های فرهنگی حاکمیت با سیاست‌های فرهنگی شهرداری و سازمان فرهنگی هنری را مطرح می‌کند (کد AK3-8، ردیف ۲۲، جدول ۱). به عبارت بهتر در دوره آبادگران بین میدان ملی سیاست‌گذاری فرهنگی و میدان بخشی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری اجماع و همسویی وجود دارد.

۳-۱۱- صورت‌بندی جریان ایدئولوژی

آنچنان که کاظم‌زاده مشاور اجتماعی و راهبردی قالیباف شهردار وقت تهران در دوره اصول‌گرایان بیان می‌کند دستورکارهای فرهنگی دوره اصول‌گرایان تحت تأثیر منظومه فکری و ایدئولوژیک جریان سیاسی قالیباف شکل گرفته است. به گفته وی قالیباف کارنامه خود در تمام تجارب مدیریتی اعم از فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهی نیروی انتظامی و شهرداری تهران را بر مبنای معارف شیعه و اسلام عاشورایی، پیشینه تاریخی و تمدن ساز ایران، دستاوردهای نهضت‌های اجتماعی نظیر تنباکو، مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت، نگرش ایدئولوژیک شریعتی به تاریخ، تمدن و جامعه شناسی اسلام و ایران، اسلام شناسی علامه طباطبائی و شهید مطهری، حکمت تمدنی و مدیریت آقای خامنه‌ای، اسلام پیراسته مکتب تفکیک و علامه حکیمی، روشنگری‌های پست مدرنیته، تجارب انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پایایی و پویایی انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم و نظریه توسعه اجتماعی رقم زده است (کد AK4-1، ردیف ۲۷، جدول ۱). با پذیرش این ادعای کاظم‌زاده ناگزیر باید جریان ایدئولوژی را به عنوان ششمین جریان اثر گذار بر شکل‌گیری دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی در دوره اصول‌گرایان لحاظ کرد. کما اینکه در بخش اول فصل چهارم نیز مشخص شد موضوعات ایدئولوژیک و دینی طیف وسیعی از دستورکارهای فرهنگی شهرداری را تشکیل داده‌اند. کاظم‌زاده منظومه فکری جریان قالیباف در مدیریت شهری را در ذیل عنوان توسعه اجتماعی با مولفه‌های شهروندمداری، حقوق و تکالیف شهروندی، متناسب کردن شهر برای زیست مؤمنانه و تبدیل سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی صورت‌بندی می‌کند (کد AK4-

2، ردیف ۲۸، جدول ۱). در واقع به زعم وی دستورکارهای فرهنگی در دوره تصدی قالیباف بر شهرداری تهران تحت تأثیر منظومه فکری و نظریه توسعه اجتماعی شکل گرفته است.

مؤید نظر کاظم‌زاده، قیدرلو نگاه قالیباف به حل مسائل از جمله مسائل فرهنگی را جامعه محوری می‌داند که با نگاه اصول‌گرایانه به حل مسائل متفاوت است. در رویکرد جامعه محوری مسائل باید توسط جامعه حل شود، اگر جامعه توان ندارد باید توسط دولت تقویت شود و تا زمان توان‌یابی، دولت به نیابت از آن مسائل را حل کند (کد KG4-1، ردیف ۳۰، جدول ۱). این رویکرد در حوزه دستورکارگذاری فرهنگی ناظر به سپردن حل مسائل فرهنگی به جامعه است که البته به طور عینی از آنجایی که در بدو دوره اصول-گرایان نهادهای فرهنگی مردمی موجود لزوماً با ارزش‌های این جریان همسو نبوده‌اند، شهرداری را به ورطه انجام گسترده فعالیت‌های فرهنگی و آنچنان که در بخش اول فصل چهارم روایت شد شبکه سازی اجتماعی می‌اندازد. در تحلیل جریان‌های اثر گذار بر دستورکارگذاری این نوع مواجهه به نوعی نشان دهنده اثر جریان مسئله است، مسئله‌ای که تشخیص آن نه بر آمده از جامعه فرهنگی که تحت تأثیر رویکرد نظری قالیباف شکل گرفته است. قیدرلو همچنین به عملیاتی کردن رویکرد جامعه محوری در شهرداری تهران به عنوان عملیاتی‌ترین ساختار ممکن اشاره می‌کند (کد KG4-2، ردیف ۳۱، جدول ۱). در واقع گستردگی حوزه‌های عملکردی شهرداری این فرصت را در اختیار قالیباف قرار می‌دهد که رویکرد خود را پشتوانه همه فعالیت‌های سیاستگذارانه و اجرایی ممکن از جمله در دستورکارگذاری فرهنگی شهری کند. قیدرلو که رویکرد جامعه محوری قالیباف را متفاوت از رویکرد اصول‌گرایانه به حل مسائل می‌داند، با بیان اینکه ویژگی دوره کرباسچی توجه به ظرفیت‌های مردم و عدم دغدغه‌مندی در مورد ترویج ارزش‌های متعالی و ویژگی دوره قالیباف توجه به ظرفیت‌های مردمی در عین دغدغه‌مندی در مورد ارزش‌های متعالی سنتی است تفاوت سیاست فرهنگی این دو را برجسته می‌کند (کد KG4-3، ردیف ۳۲، جدول ۱). هر چند قیدرلو نگاه قالیباف در حل مسئله را اصول‌گرایانه نمی‌داند اما این توضیح وی مؤید افزودن جریان ایدئولوژی به جریان‌های اثر گذار بر شکل‌گیری دستورکارهای سیاستگذاری فرهنگی در دوره اصول‌گرایان است.

۳-۱۲- قیومیت شهرداری در تعریف برنامه‌های فرهنگی

از نظر ایازی یکی از معاونین مهم امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران مهمترین دلیل فعالیت‌های فرهنگی در دوره اصول‌گرایان، شعار شهردار وقت مبنی بر تبدیل شهرداری از سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی بود که برنامه‌های آن با مطالعه تجارب و استفاده از ظرفیت نخبگان در اتاق‌های اندیشه ورزی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی طراحی و اجرا می‌شده است (کد MHA4-2، ردیف ۳۴، جدول ۱). رضانی از مدیران با سابقه فرهنگی شهرداری تهران که در دوره اصول‌گرایان مدیر کل فرهنگی بوده است توجه به نیاز مردم و در عین حال قیومیت در تعریف برنامه‌های فرهنگی، چون مردم مانند کودکانی هستند که نیاز واقعی خود را نمی‌شناسند، را از جمله جریان‌های مؤثر در شکل‌گیری دستورکارهای فرهنگی شهرداری می‌داند (کد ER4-1، ردیف ۳۷، جدول ۱) و می‌گوید:

... یک مسئله کلی در حوزه مخاطب هست، یک وجه خواست است و یک وجه هم نیاز. اگر به یک بچه بگوئید من دارم بیرون می‌روم و چه می‌خواهی، اولین چیزی که می‌گوید شکلات و خوراکی است. ... اما واقعاً همه نیازهای او همین است؛ بچه نیازهایی دارد که یا ابراز نکرده یا هنوز به آن سطح از آگاهی و شعور نرسیده باشد که نیاز اصلی را بگوید. قطعاً پدر و مادر به عنوان کسانی که در حوزه تربیت بچه مسئول هستند باید به این مسائل هم نگاه کنند که بچه باید مسواک هم بزند. در حوزه مسائل فرهنگی هم این نکته مهم است و شهر و شهروندانش مجموعه نیازها را دارند. ممکن است مردم بخشی از نیازها را به زبان بیاورند. بخشی را هم

کسانی که در حوزه فرهنگ کار می‌کنند باید از زاویه بالاتر نگاه کنند تا علاوه بر چیزی که شهروندان می‌گویند، آن‌ها احساس کنند باید به آن نیازها هم پاسخ بدهند....

همچنین به گفته رضانی تلاش برای تحقق شهر خوب با ویژگی‌های نشاط، پویایی و روابط اجتماعی بر مبنای اصول و ارزش‌ها و توجه به اقشار اجتماعی (سنی، حرف و مشاغل، زنان خانه‌دار) ... در تعریف برنامه‌های فرهنگی بر شکل‌گیری دستورکارهای فرهنگی شهرداری مؤثر بوده‌اند (کد ER4-1، ردیف ۳۷، جدول ۱). قیومیت در تعیین دستورکار صورتی از مسئله محوری ریشه‌دار در نگاه ایدئولوژیک سیاستگذاران فرهنگی شهری است.

۳-۱۳- تودرتویی میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری با میدان‌ها و جریان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی

ایازی مدیریت فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در فضای بحرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ را در راستای دوری از حواشی سیاسی و در عین حال پاسخگویی به انتظارات سایر دستگاه‌ها برای مشارکت گسترده شهرداری در برگزاری برنامه‌های مناسبی در آن دوران را از جریان‌های اثرگذار بر تعیین دستورکار سیاستگذاری فرهنگی در شهرداری تهران می‌داند (کد MHA4-1، ردیف ۳۳، جدول ۱). همچنین نائینی از سرداران سپاه پاسداران انقلابی اسلامی با سوابق عالی فرهنگی در این نهاد و قائم مقام معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران دلیل حضور خود در شهرداری را استمداد از سپاه و توافق شهردار وقت و فرمانده کل سپاه وقت برای مدیریت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران می‌داند و می‌گوید (کد AMN4-1، ردیف ۳۵، جدول ۱): «آقای قالیباف، در عرصه مدیریت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، سراغ سپاه آمده بود که از سپاه کمک بگیرد». این گفته نائینی حاکی از تودرتویی میدان سیاستگذاری فرهنگی شهری با میدان‌ها و جریان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی است.

۳-۱۴- عملیاتی سازی سیاست با اتکاء بر نظام مدیریتی سلسله مراتبی

کاظم‌زاده در توضیح سازوکار تصمیم‌سازی و اجماع‌سازی در درون شهرداری برای مواجهه با دستورکارهای پیشین ضمن اشاره به مخالفت بدنه شهرداری و شورای شهر با رویکرد مبنایی توسعه اجتماعی قالیباف اولویت بندی مواجهه با مسائل شهری را به ترتیب خدمات شهری، عمران و شهرسازی، حمل و نقل، اقتصاد شهری و در نهایت اجتماعی و فرهنگی بیان می‌کند. وی مرحله آخر را غایت تحول شهرداری می‌داند و معتقد است در آن همه حوزه‌های عملکردی شهرداری به عنوان پیوست اجتماعی فرهنگی قلمداد می‌شوند (کد AK4-3، ردیف ۲۹، جدول ۱). به عبارت روشن‌تر در رویکرد مبنایی قالیباف همه حوزه‌های عملکردی شهرداری باید در خدمت تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته شوند. از نظر رضانی دستورکارگذاری فرهنگی در شهرداری متأثر از توان اداره کل فرهنگی بوده است (کد ER4-7، ردیف ۳۸، جدول ۱). نائینی اجماع‌سازی برای دستورکارگذاری جهت پیشبرد رویکردهای تحولی فرهنگی را مبتنی بر استفاده از اقتدار تفیذ شده از سوی شهردار و نظام سلسله مراتبی شهرداری و البته شکل‌دهی و استفاده از شبکه حزب‌اللهی‌های شهرداری می‌داند (کد AMN4-13، ردیف ۳۶، جدول ۱). این مواجهه بیانگر سازوکار تنظیم دستورکارهای فرهنگی با دستورکارهای پیشین در دوره اصول‌گرایان است.

۴. جمع‌بندی و تحلیل

این پژوهش با طرح این مسئله که سیاستگذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران تحت تاثیر مسائل فرهنگی شهر و مدیریت شهری تهران نبوده است. بر اساس نتایج تحلیل مضمون انجام شده، هدف اولیه انتصاب غلامحسین کرباسچی در دی ماه ۱۳۶۸ به عنوان

شهردار تهران بسامان کردن اوضاع شهر با ایفای نقش‌های نهادینه شده شهرداری در حوزه‌های ساخت و ساز، نظافت شهر و حمل و نقل شهری بوده است. با این وجود تحت تأثیر تجربه تیم مدیریت شهری که از اصفهان به تهران منتقل شده بودند و می‌توان از آن با گزاره زمینه مساعد عادت‌واره‌ای کرباسچی و ملک مدنی یاد کرد، رویکردها و فعالیت‌های فرهنگی در دستور کار شهرداری تهران قرار می‌گیرد. در این میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به عنوان متولی فرهنگ و هنر از ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی توسط شهرداری استقبال می‌کرده است. از همان ابتداء برنامه‌ریزی برای تغییر ذائقه شهروندان و دامن زدن به مطالبه‌گری ایشان در زمینه‌های فرهنگی هنری در دستور کار مدیریت شهری تهران بوده است. منتقدان، این برنامه‌ریزی را در راستای گذار از نهادهای بسیج‌گری سنتی به نهادهای بسیج‌گر جامعه مدنی می‌دانند.

در دوره اصلاح‌طلبان با محوریت سازمان فرهنگی هنری که در دوره سازندگی تاسیس شده بود، سیاست‌گذاری و کنترل برنامه‌های فرهنگی فرهنگسراها اوج می‌گیرد و اراده میدان سیاسی بر میدان سیاست‌گذاری فرهنگی شهری تحمیل می‌شود. به نحوی که در این دوره فشار جریان سیاسی مخالف مداخله شهرداری در اجرای برنامه‌های فرهنگی منجر به وضعیت شبه‌توقف در دستور کارگذاری و تداوم فعالیت‌های فرهنگی شهری منجر می‌شود. این در حالی است که در دوره آبادگران با همسویی جریان حاکم بر مدیریت شهری تهران و نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح ملی، میدان سیاسی بر میدان سیاست‌گذاری فرهنگی شهری به کامل تفوق می‌یابد. همچنین سیاست‌های فرهنگی آبادگران ناظر بر حامی‌پروری با چشم‌انداز رئیس‌جمهور شدن شهردار منتخب آنان بوده است.

در دوره اصول‌گرایان، اثر گذاری ایدئولوژی اسلامی انقلابی بر سیاست‌گذاری فرهنگی شهری که در عمل از دوره سازندگی آغاز و در دوره آبادگران با طرح استراتژی انتظار و اندیشه مهدویت پی‌گیری شده بود، انسجام و قوام بیشتری به خود می‌گیرد. قیومیت شهرداری در تعریف برنامه‌های فرهنگی با این نگاه که شهروندان نیازهای خود را نمی‌شناسند از جمله رویکردهای حاکم بر شکل‌گیری دستور کارها در دوره اصول‌گرایان بوده است. تحت تأثیر تحولات اجتماعی سیاسی اواخر دهه ۱۳۸۰ میدان سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در تودرتویی با میدان‌ها و جریان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی نیز قرار می‌گیرد. به نحوی که جریان سیاسی و میدان گسترده قدرت در سرتاسر دوره اصول‌گرایان بر شکل‌گیری دستور کارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری موثر بوده است. منظور از میدان گسترده قدرت جریان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی است. نقطه اوج این موضوع انتظارات بخش‌های امنیتی و نظامی در دوره پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ برای حضور فعال شهرداری در پاسداشت مناسبت‌های ملی و مذهبی است.

در بازگشت دوباره به مسئله پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ناتوانی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در مواجهه با وضعیت شهر گسیخته تهران و تنوع فرهنگی و هویتی، دائمی بودن مسائل اجتماعی و فرهنگی، جدایی‌گزینی فضایی فرهنگی، کم توجهی به نیازهای شهروندان با توجه به تفاوت‌های محلی و منطقه‌ای و ... همگی متأثر از وضعیتی است که در آن عادت‌واره‌های سیاست‌گذاران، جریان ایدئولوژی، جریان سیاسی و تحولات و مطامع میدان گسترده قدرت به عنوان عوامل موثر در موضوعیت سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در تمام سه دهه مورد بررسی تداوم داشته‌اند. به عبارت روشن‌تر این موضوعیت در بستر کردارها و کنش‌های نهادی و فردی و در ماورای جریان مسئله اتفاق افتاده است. اثر گذاری این عوامل به معنای ضعف استقلال مدیریت شهری و سازوکارهای نهادی رسمی (قانونی) و غیر رسمی (عرفی) برای دستور کارگذاری است. مادامی که این وضعیت حاکم است نمی‌توان انتظار داشت راهکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی به طور موثر ناظر بر حل مسأل شهر و مدیریت شهری باشد.

۵. منابع فارسی

- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹). متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: نشر میزان.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- اندرسون، جیمز (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه: کیومرث اشتریان. مجله فرهنگ اندیشه. ۱۸. ۴۴ - ۹.
- بورديو، پیر (۱۳۹۵). ساختارهای اجتماعی اقتصاد. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی.
- جلالی، یاسر و رحمت‌الله صدیق سروسنانی (۱۳۹۰). «نخبگان قدرت در شهر تهران»: نقش تصمیم‌گیران در مسائل اجتماعی. پژوهش سیاست نظری. ۱۵۷. ۱۰ - ۱۳۳.
- پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۶) مطالعه روند تغییرات فرهنگی در شهر تهران. جلد‌های اول و دوم. مدیر علمی: محمد جواد غلامرضا کاشی. طرح پژوهشی در مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- دانایی‌فر، حسن (۱۳۹۵). گفتارهای جدید در خط مشی گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۴). نابرابری سرمایه‌های فرهنگی در شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۴. ۱۹۶ - ۱۶۹.
- رورتی، ریچارد (۱۳۹۶). فلسفه همچون سیاست فرهنگی. ترجمه: ناصرالدین علی تقویان و بابک طهماسبی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سالدنا، جانی (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی. ترجمه: عبدالله گیویان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). کلانشهر و فرهنگ. تهران: انتشارات فرهنگ.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). پشت دریاها شهری است. تهران: انتشارات تیسرا.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸). ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: لوگوس.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (بی تا). قانون بلدیة. بازیابی شده از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90099>
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (۱۳۹۲). مجموعه کامل قوانین شهرداری‌ها. تهران: شرکت تعاونی معین ادارات.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (بی تا). قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهرها و قصابات. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران. بازیابی شده از: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/113556>
- مهرگان، کیوان و بهروز دآوری (۱۳۹۹). یک قرن در یک قاب. مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران: تهران.
- ویلیامز، ریموند (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی فرهنگ. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هیلبیر، جین (۱۳۹۵). سایه‌های قدرت، حکایت دوراندیشی برنامه‌ریزی کاربری اراضی. ترجمه: کمال پولادی. تهران: جامعه‌مهندسان مشاور ایران (انتشارات آذرخش).
- Anderson, James (2006 AD/1385 SH). Public policymaking: An introduction. (Ashtarian, Kiyomars. Trans). Farhang Andisheh magazine. Vol 18, pp 9 - 44. *inPersian*.
- Ashtarian, Kiyomars (2010 AD/1389 SH). Strategic Variables in Cultural Policymaking. Tehran: Mizan Publication. *inPersian*.
- Ashtarian, Kiyomars (2012 AD/1391 SH). Introduction to Cultural Policymaking. Tehran: Jame'e Shenasan Publication. *inPersian*.
- Bourdieu, Pierre (2016 AD/1395 SH). The Social Structures of the Economy. (Chavoshian, Hasan. Trans). Tehran: Social Security Organization Research Institute Press. *inPersian*
- Brittlebank, W. (2022) Persia During the Famine, Translated by S.F.Hoseini, Tehran, Shirazeh (In Persian)
- Cochrane, Allan (2020). Urban Policy. In The Audrey Kobayashi (Edited). International Encyclopedia of Human Geography. (p p 93 - 96). Amsterdam: Elsevier.

- Cultural Research Institute of Allameh Tabatabai University (2017 AD/1396 SH). Studying the process of cultural changes in Tehran. The first and second volumes. Scientific director: Mohammad Javad Gholamreza Kashi. A research project in Tehran Urban Research and Planning Center. *inPersian*.
- Danaeefard, Hassan (2016 AD/1395 SH). New topics in public policy. Tehran: Imam Sadiq University Press. *inPersian*.
- Darbandi, M(2019) Maghtal-e-Darbandi, Tehran : Aram-e-Del (In Persian)
- Dowlat Abadi, Y. (1983) Life of Yahya, Tehran: Attar (In Persian)
- Dr. Wills (1989) Iran in the past Century, Translated by GH. Gharaghuzlu, Tehran: Ighbal (In Persian)
- Dubois, Vincent (2015). The fields of public policy. In The Mathieu Hilgers & Eric Mangez (Edited). Bourdieu's Theory of Social Fields: Concepts and Applications. (p p 199 - 220). London & New York: Routledge.
- Durkheim, Emile (2005) The Elementary Forms of Religious Life, Translated by B.Parham, Tehran: Markaz (In Persian)
- Ehtesham-al-Saltane (1988) Memoirs of Ehtesham-al-Saltane, Edited by M.M.Musavi, Tehran: Zavvar (In Persian)
- Ensafi, M & Ahmadvand, Shoja (2022) Cholera and medicalization: factors in the transition to a modern interventionist state In the Qajar era, Pajuheshname-y- Olum-e-Siasi, N.62, pp:7-42 (In Persian)
- Etemad -al- Saltana (1982) Forty years of Iran's History under the rule of Naser-al-Din Shah, Edited by I.Afshar, Tehran: Asatir (In Persian)
- Fazeli, Nematollah (2013 AD/1392 SH). Behind the seas is a city. Tehran: Tisa Publication. *inPersian*.
- Fazeli, Nematollah (2020 AD/1399 SH). Metropolis and culture. Tehran: Farhameh Publication. *inPersian*.
- Floor, W. (2019) History of Bread In Iran, Translated by S. Kaarkhizan, Tehran: Iranshenasi (In Persian)
- Foroughi Abri, A. (2004) Investigation of Mourning Style from the Safavid to the Qajar Era, Farhang-e-Esfahan, N, 29& 30, pp: 29-35 (In Persian)
- Foroughi Abri, A.(1388) Iranians and Mourning in Ashura, Mourning Ritual in History, Qom: Education and Research Institute of Imam Khomeini (In Persian)
- Gaffari, Gh, Iranian Values and attitudes(3rd wave survey) Tehran: Ministry of Cculture (In Persian)
- Ghaffari, M.A. (1982) History of Gaffari(Memoirs and Documents of M.A.Ghaffari) , Edited by Ettihadieh, M. & Sa'dunvandian, S., Tehran: Tarikh-e-Iran (In Persian)
- Gide, Charles(1991) The History of Economic Doctrines (Vol.2), Translated by K.Sanjabi, Tehran: University of Tehran (In Persian)
- Grenfell, Michael (2014). Methodology. In The Michael Grenfell (Edited). Pierre Bourdieu; Key Concepts. (p p 213 – 228). New York: Routledge.
- Gudarzi, M (2003) National Survey of Iranian Values and Attitudes (2nd wave), Tehran: Ministry of Culture (In Persian)
- Gurney, G & Safatgul, M. (2018) Qom in Great Famine, Qom: Marashi Library (In Persian)
- Haghani, M. (2002) Muharram in history and image, Tarikh-e-Moaser-e-Iran, N,21&22, pp: 493: 574 (In Persian)
- Hamilton, M (2008) Sociology of Religion, Translated by M.Solasi, Tehran, Sales (In Persian)
- Hassun, M. (2019) Alsha'air-Al-Hoseinia, Tehran: Dalile ma (In Persian)
- Heidari, S (2017) Investigating the Causes of Cholera Outbreak In Shiraz during 1236-1332 Hijri, Tarikh-e-Pezeshki, Vol.6, N.4, PP: 207-218 (In Persian)

- Hillier, Jean (2016 AD/1395 SH). *Shadows of Power: An Allegory of Prudence in Land-use Planning*. (pooladi, kamal. Trans). Tehran: Iranian Society of Consulting Engineers (Azarakhsh Publication). *inPersian*.
- Howlett, Michael & Allan McConnell & Anthony Perl (2016). Moving Policy Theory Forward: Connecting Multiple Stream and Advocacy Coalition Frameworks to Policy Cycle Models of Analysis. *Australian Journal of Public Administration*. 76. 65 – 79.
- Howlett, Michael., McConnell, Allan & Perl, Anthony (2014). Streams and stages: Reconciling Kingdon and policy process theory. *European Journal of Political Research*. 54. 419 – 434
- Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of IRAN (n.d). *Municipal law*. retrieved from: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90099> . *inPersian*.
- Jafarian, R(2019C) *Conflicts around Aggrandizement (Gholov) of Imams, Specialized Digital Library of Iran and Islam (In Persian)*
- Jafarian, R. & kushki, F (2009) *Treatise of Tanbih-al-Gafilin and Ibrat -al- Nazirin in Esfahan Famine, Payam-e- Baharestan, Vol.2, n.3, pp: 131-150 (In Persian)*
- Jafarian, R. (2019A) *Molla Agha Darbandi and Maghtal-Writing, Ghom: Movarrekh (In Persian)*
- Jafarian, R. (2019B) *Religious Conflicts in the 13th Century Hijri, Ayine-y-Pajuhesh, N.176, pp: 8-29 (In Persian)*
- Jalali Yasser & Sedigh Sarvestani, Rahmatullah. (2016 AD/1395 SH). *The Power Elite in the City of Tehran: Journal of research in theoretical politics. Vol 10, no.2, pp. 133 - 157. inPersian*.
- Karimkhan Zand, M, (2012) *Iranian Medicine's Encounter with the Cholera and Plague Epidemics in Qajar Iran in the 19th Century, Tarikh-e- Elm, N.13, PP: 93-126 (In Persian)*
- Kasravi, A (1944) *My Life, (n.p) (In Persian)*
- Manzur-al-Ajdad, S.M.H (2001) *Commemoration of Hosein's Epic in Tehran during the Naserid Era, Tarikh-e-Islam, N. 5, pp: 167-182 (In Persian)*
- Mazaheri, M (2018) *Tragedy of the Muslim World, Tehran: Arma (In Persian)*
- Mazaheri, M (2019) *On the service and disservice of the Ritual, Telegram Chanel: Din-Farhang- Jamee (In Persian)*
- Mazaheri, M. (2010) *Shia Media, Tehran: Sherkat-e-Chap-va-Nashr-e-Bein-al-Melal (In Persian)*
- Mehrgan, Keyvan and Davari, Behrouz (2020 AD/1399 SH). *A century in a frame. Tehran Municipality Communication and International Affairs. Tehran: Nashr-e Shahr Institution. inPersian*.
- Mohammadpour, Ahmad . (2019 AD/1398 SH). *Counter-method the philosophical underpinnings and practical procedures of qualitative methodology. Tehran: Logos Publication. inPersian*.
- Mostowfi, A. (2004) *The Story of My Life, Tehran: Zavvar (In Persian)*
- Najmi, N. (1977) *Tehran as Dar-al-Khalifa, Tehran: Amirkabir (In Persian)*
- Nategh, H. (1976) *The socio-economic impact of cholera in the Qajar Era, Faculty of Literature and Humanities, N.2, pp: 30-62 (In Persian)*
- Noori, Tabarsi, H. (2013) *Lo'Lo' va Marjan (Pearl and Coral), Tehran, Dar-al-Kotob-al-islamiah (In Persian)*
- Presidential Legal Assistant (n.d). *Law on the establishment of municipalities and associations of cities and towns. Laws and Regulations Portal of Islamic Republic of Iran. retrieved from: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/113556>. inPersian*.
- Ramezan Nargesi, R (2006) *Mourning in the Qajar Era, Tarikh-e-Islam dar Ayine-y-Pajuhesh, N.9, pp: 53-90 (In Persian)*
- Rorty, Richard (2017 AD/1396 SH). *Philosophy as Cultural Politics. (Taghaviyan, Naseruddin Ali & Tahmasabi, Babak. Trans). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. inPersian..*

- Saldana, Johnny (2016 AD/1395 SH). The Coding Manual for Qualitative Researchers. (Guivian, Abdollah. Trans). Tehran: Elmi-Farhangi publishing company. *inPersian*.
- Seif, A. (2008) The Lost Century, Tehran: Ney (In Persian)
- Shariati, S. (2018) The Revival of Popular Religion, meaning and reasons, The site of Cultural Complex of Imam Sadiq, Meybod (In Persian)
- Taher Ahmadi, M (2001) Religious Associations: Religious Gatherings according to Taaj-e- Vaez, Tarikh-e-Islam, N.8, pp: 99-126 (In Persian)
- Tavakoli Targhi, M.(2009) Everyday Modernity and the Injection of Religion, Vol.24, N.4, PP: 421-461 (In Persian)
- Tehran Urban Research and Planning Center (2014 AD/1392 SH). the complete set of municipal laws. Tehran: Moin Adrat Cooperative Company .*inPersian*.
- Valentina, Ferretti., Pluchinotta Irene & Alexis Tsoukiàs (2019). Studying the generation of alternatives in public policy making processes. European Journal of Operational Research. 273. 353 – 363.
- Williams, Raymond (2017 AD/1396 SH). The Sociology of Culture. (Chavoshian ,Hasan. Trans). Tehran: Research Center For Culture, Art And Communications. *inPersian*.
- Zakeri, A. (2021) Social Solidarity and its Enemies, Tehran: Ney (In Persian)
- Zargari Nejad, GH. & Zarei, S.(2005) The Critical Approach of Egypt's Persian Newspapers to Iran's Economic situation in the Naserid and Mozaffarid Era, Tarikh(Azad University of Mahallat), N.37, pp: 38-58 (In Persian)
- Zittoun, Philippe (2014). The Political Process of Policymaking: A Pragmatic Approach to Public Policy. London: Palgrave Macmillan.